

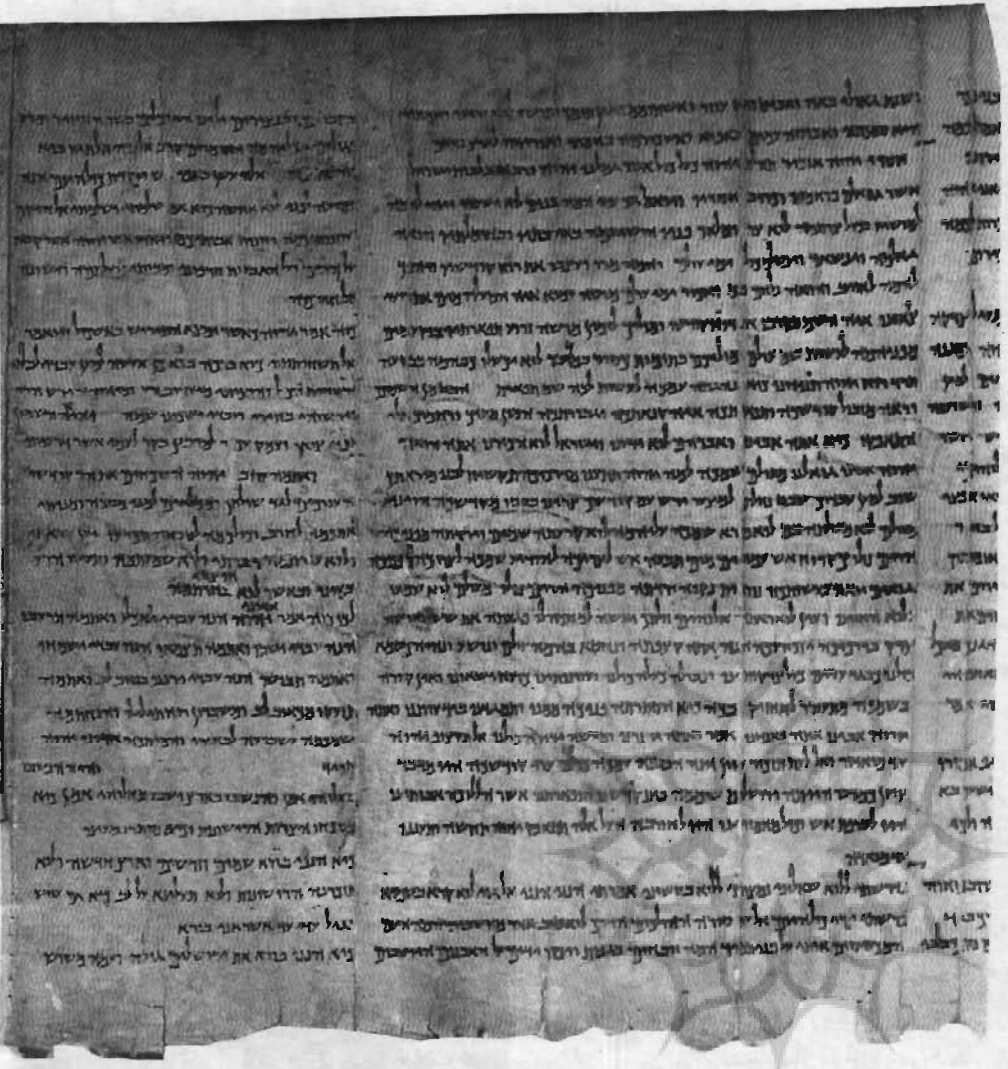
کتابخانه‌ها و

نسخ خطی، اشیاء منحصر به فرد و شکننده‌ای هستند که علی‌رغم توجهات گسترده‌ای که به آنها می‌شود، هنوز به عنوان قسمتی از میراث ملی تحت حمایت قرار نگرفته‌اند. اگر چه شاید اهمیت نسخ خطی مورد قبول همگان باشد، امکاناتی که به نگهداری آنها اختصاص یافته در بسیاری از موارد ناچیز است. با این حال با اطمینان می‌توان گفت که مجموعه نسخ خطی درست مانند ابنیه تاریخی که دولتها مبالغ زیادی صرف مراقبت از آنها می‌کنند، و مانند آثار هنری که در موزه‌ها حفظ و نگهداری می‌شوند، و همچنین مانند زیبابیهای طبیعی که با عنوانی چون پارکهای ملی تحت حمایت سازمانهای خاصی قرار دارند، قسمتی از میراث ملی هر ملتی محسوب می‌شوند.

مشاهده انگیزه‌های خلاق در عمل

تاریخ ادبی، علمی، اجتماعی، یا سیاسی هر ملتی را تنها زمانی می‌توان به شیوه‌ای کاملاً عینی به نگارش درآورد که مبتنی بر مآخذ اصلی باشد، و مآخذ اصلی چیزی به غیر از نسخ خطی یا اسناد بایگانی نیست. در واقع یکی از معانی واژه «مآخذ» همان «سند اصلی» است. نسخ خطی، ماده حیاتی تاریخ را بوجود می‌آورند. در آنها می‌توان تکامل نویسندگان و آثارشان، زندگی زمامداران، و فعالیت‌های گونه‌گون ملت‌ها را دنبال کرد. محاسبه ارزش نسخ خطی غیر ممکن است، و حتی اگر در سطح جهانی ارزش نسبتاً کمی برای آنها متصور باشند، در درون هر فرهنگ و یا هر کشور ارزش آنها بی‌نهایت است.

کتابخانه‌های ملی مدتهاست که به اهمیت این میراث با ارزش پی برده‌اند، خصوصاً که نسخ خطی مکمل دارائیهای این کتابخانه‌ها هستند و قسمتی از وظیفه اصلی آنان، یعنی جمع‌آوری و نگهداری و ارائه آثار جایی را انجام می‌دهند. اگر چه تمام کتابخانه‌های ملی گروه یا بخش ویژه‌ای برای نسخ خطی ندارند، اکثر آنها مشتاق فراهم آوردن آرشیوهای خصوصی و حفظ و نگهداری آنها، تا حدی که امکاناتشان اجازه بدهد، هستند. چنین مجموعه‌هایی پژوهشگران ادبی را قادر می‌سازد تا در یک محل، از اسنادی مشتعل بر چرکنویسها و پاکنویسها، آثار چاپ شده و ویرایش شده نویسندگان، و همچنین از مقالات مجلات و روزنامه‌ها، مصاحبه‌های رادیوتلوویزیونی، نوارهای ضبط شده، نامه‌ها و انواع یادداشتها بهره‌مند شوند، تا



شکل زیر: اتاق نگهداری نسخ خطی در کتابخانه ملی کبک

رتال جامع علوم انسانی

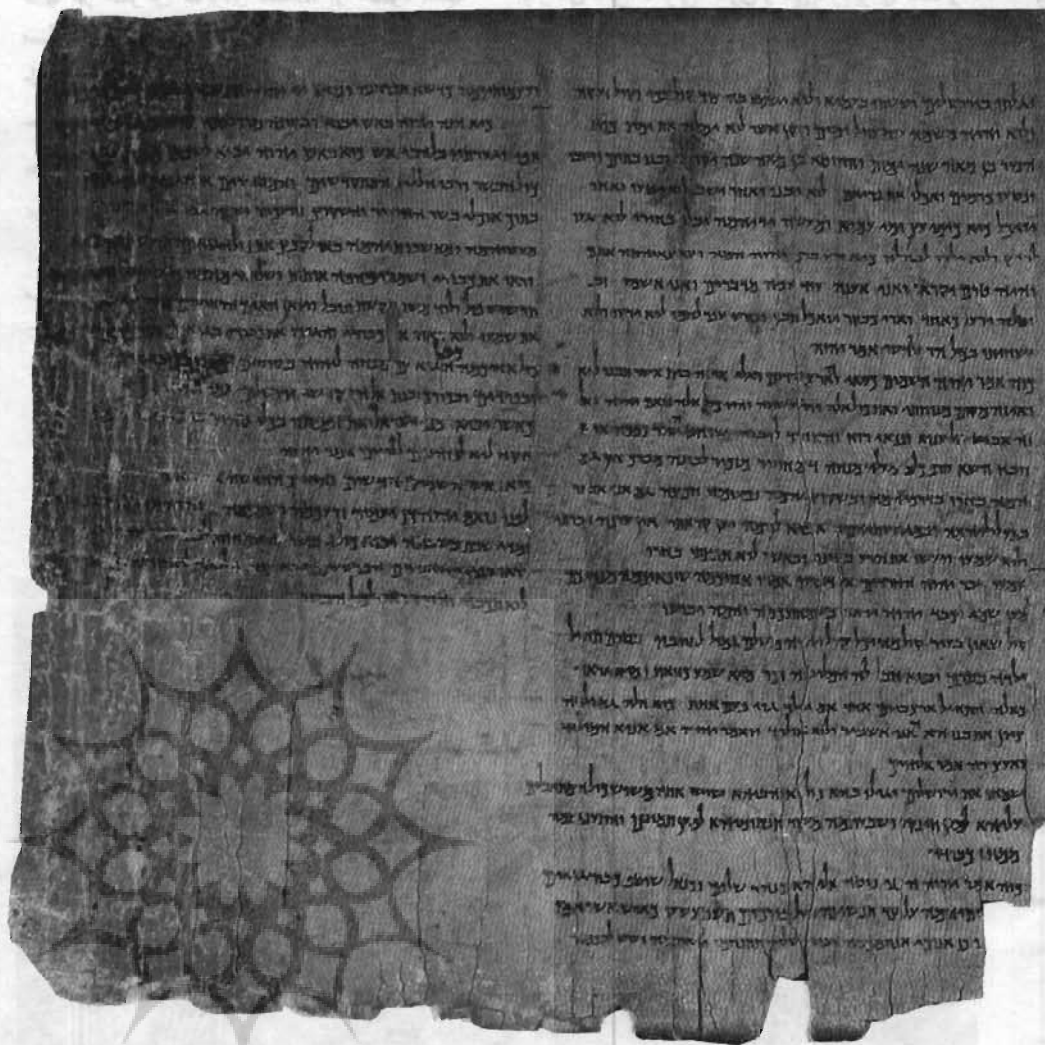


این نسخه خطی مربوط به قرن دوم میلادی از کتاب ایشیایه نبی یکی از طومارهای معروف بحرالمیت است. این نسخه همراه با چند نسخه‌ها با ارزش دیگر از کتاب

از این طریق مراحل تکامل اثر ادبی یا خالق آن را دنبال کنند و در عمل شاهد انگیزه‌های خلاق باشند. اهمیت این مآخذ اولیه بویژه از آن جهت است که تنها مآخذ معتبر هستند، زیرا مآخذ ثانویه به واسطه اشتباهاتی که در چاپها و در ویرایشهای گوناگون نشان تکرار و افزایش یافته مکرراً آسیب دیده‌اند. مرتسکیو، فیلسوف سیاسی فرانسوی در *Lettre persians* (نامه‌های ایرانی ۱۷۲۲) نوشته است: «اتاق کوچکی دارم مملو از نسخ خطی بسیار گرانبها و ارجمند؛ گرچه با خواندن آنها سوی چشم زایل می‌شود، آنها را شدیداً بر نسخ جایی که اعتبار کمتری دارند، ترجیح می‌دهم...» و سرانجام، وجود مجموعه کاملی از نسخ خطی، شرایط لازم را برای فراهم آوردن ویرایش‌های انتقادی، و همچنین کشف موارد چاپ شده میسر می‌سازد.

نجات نسخ خطی

در برخورد با چنین اغتشاشاتی سؤال دیگری به ذهن خطور می‌کند: کتابخانه‌های ملی چه نقشی را می‌توانند، و چه نقشی را باید ایفا کنند؟ از قانونی که به کتابخانه‌ها موجودیت بخشیده و همچنین از ماهیت و وظیفه آنها مشخص است که این نهادها از استحکام و ثباتی برخوردارند که به لحاظ نظری، متضمن مدیریت و نگاهداری صحیح آثار چاپ شده‌ای است که به عنوان بخشی از موارث ملی بدانان سپرده شده است. به هر حال، کتابخانه‌های ملی نیز مانند تمام نهادهای دیگر دستخوش نوسانات اقتصادی هستند. اما هدف اصلی آنها حفظ و نگاهداری کتابهاست، و بطور کلی این نکته در شرطهای حقوقی و کالت آنان نیز گنجانده شده است. به همین علت است که کاهش بودجه یا کم شدن تعداد کارمندان تأثیر کمتری بر روی شیوه‌های حفظ و نگاهداری کتابها دارد تا بر روی فعالیتهای دیگر کتابخانه. این وظیفه، کتابخانه‌های ملی را لزوماً به استخدام کارمندان متبحر و همچنین تهیه دستگاههای پیشرفته و تخصصی سوق می‌دهد تا از این طریق سالم ماندن مجموعه‌هایشان را در برابر صدمات ناشی از گذشت زمان تضمین کنند. فعالیتهای آنها مشتمل است بر کنترل دقیق شرایط جوی کتابخانه؛ جلوگیری از اسیدی شدن کتابها و اسناد و محلهای نگاهداری آنان؛ تکثیر کتابها و اسنادی که در



شکل زیر ماشینهای استفاده از میکروفیلم در سالن مطالعه کتابخانه ملی برزیل، در ریودوژانیرو را نشان می‌دهد.

مقدس در سال ۱۹۴۷ در نزدیکی بحرالمیت در کومران پیدا شد. کاشفین، آن را در بقایای صومعه‌ای که در آغاز دوران مسیحیت به دست رومیان ویران شده بود یافتند.



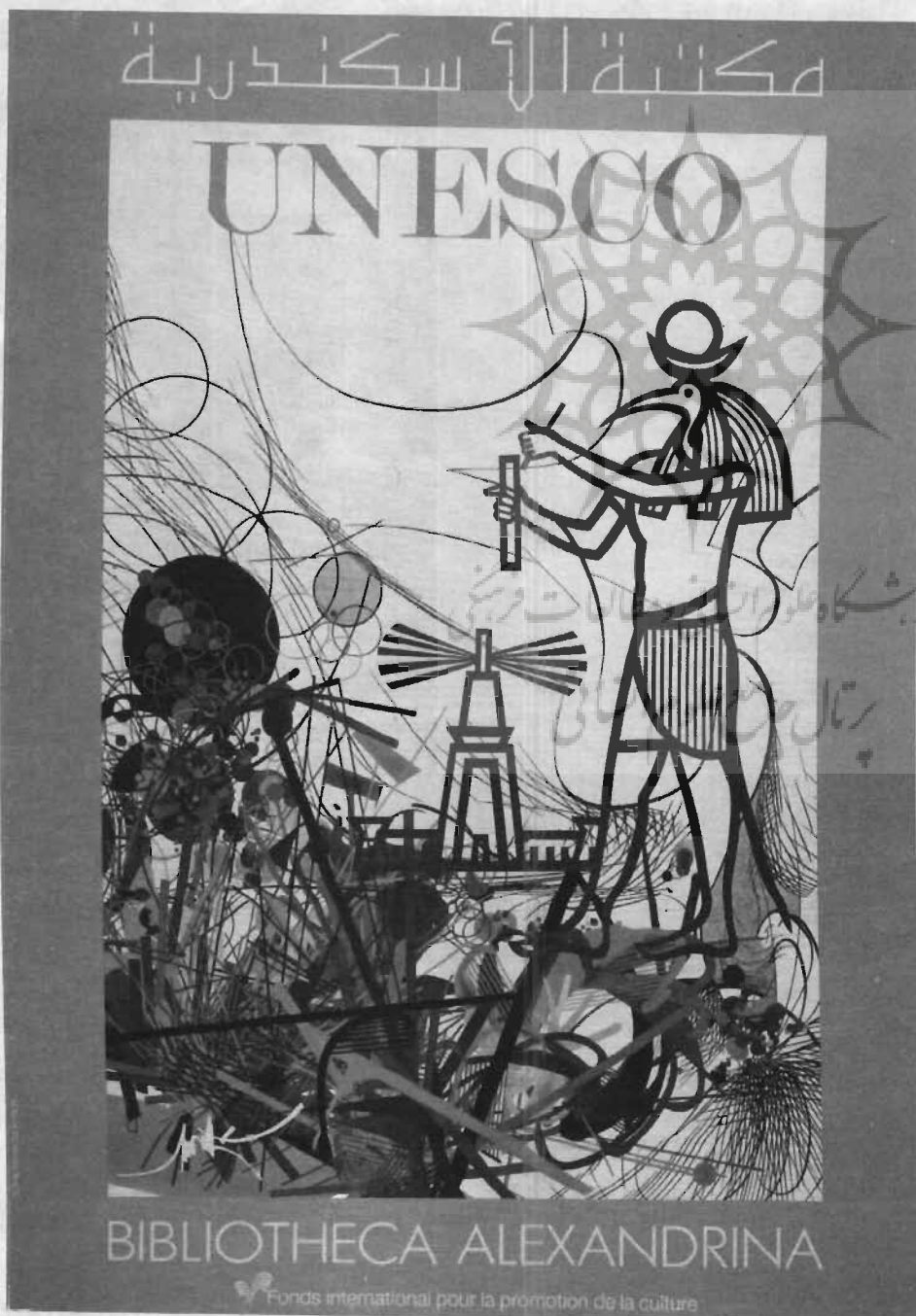
نقش کتابخانه‌های ملی

اهمیت آرشیوهای عمومی مدتهاست که مشخص شده است. اگر بپذیریم که آرشیوهای خصوصی نیز به همان میزان شایسته حفظ و نگاهداری هستند، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که: چه کسی باید مسئول نگاهداری آنها باشد؟ چنانکه تعداد مجموعه‌های پراکنده نسخ خطی نشان می‌دهد، کمتر کشوری تاکنون موفق به حل موفقیت‌آمیزی این مسئله شده است. متأسفانه حتی کشمکشهایی در بین آرشیوهای ملی و کتابخانه‌های ملی، کتابخانه‌های دانشگاهی و کتابخانه‌های عمومی، و کتابخانه‌های خصوصی مؤسسات و اجتماعات وجود دارد که به این مشکل دامن می‌زند.

نیازهای مالی، قانونی، کاری و فنی لازم برای حفظ و نگاهداری آنها را فراهم آورند. تمام کتابخانه‌های ملی باید در این راه پیشقدم شوند و از طریق ارتباطی که با دولتها و سازمانهای بین‌المللی دارند، از نسخ خطی و نگاهداری آنها دفاع کنند.

جرج کارتیه کانادایی، مدیر کل کتابخانه ملی کبک و مدیر سابق گروه هنر و ادبیات در وزارت امور فرهنگی، چندین مقاله و یک رمان با عنوان Notre-Dame du Colportage (1987) نوشته است.

بوستر طراحی شده برای «صندوق بین‌المللی یونسکو برای ارتقاء فرهنگ»، قسمتی از اقدامات یونسکو جهت احیای کتابخانه باستانی اسکندریه.



غالباً در معرض نابودی هستند، از خود سلب مسؤلیت کنند. این مجموعه‌ها نیز مانند مناطق زیبای طبیعی نمایندهٔ ثروتهایی هستند که تمام انسانها ملزم به حفظ آنها هستند؛ به علاوه آنها نوعی میراث جهانی را بوجود می‌آورند که یونسکو و کشورهای عضو آن باید برای حفظ آنها دست به اقداماتی کاملاً ضروری بزنند. نسخ خطی باید هر چه زودتر به عنوان جزئی از میراث جهانی ما شناخته شوند و کشورها باید توافق نامهای را به امضا برسانند و تعهد کنند که کلیهٔ

خطر فاسد شدن و از بین رفتن هستند، به صورت فاکسی میل، یا میکروفیلم یا میکروفیش؛ و از میان برداشتن تهدیدهای خارجی.

کتابخانه‌های ملی علاوه بر مستحتمل شدن این مخارج سنگین و ضروری، باید برای تکمیل مجموعه‌های چاپی خود به نسخ خطی نیز دست یابند. بنابراین تعجب‌آور نیست اگر این کتابخانه‌ها همواره به وسعت بخشیدن مجموعه‌های نسخ خطی خود علاقمند باشند و حتی گروههای خاصی را نیز برای این منظور تأسیس کنند. این گرایش خود قسمتی از رشد منطقی مسئولیتهای آنان بود، و هنوز نیز هست، و راهی است که کتابخانه‌های ملی جز با قبول عواقب زیان‌بار در سطوح ملی و جهانی، نمی‌توانند از آن منحرف شوند.

چنین چیزی مطلقاً به معنای تمرکز نیست. تکنولوژی نوین مسافت طولانی را از میان برداشته است و راههای سریعی را برای تکثیر اسناد و دستیابی به اطلاعات مربوط به آنها فراهم آورده است. بانکهای اطلاعاتی، که در هر لحظه می‌توان از مشورت با آنها سود جست، مانند تلگراف و تلویزیون به قسمتی از زندگی روزمره مبدل شده‌اند. تکنولوژی جدید باید این امکان را در اختیار کتابخانه‌های ملی بگذارد تا مسؤلیتهای بیشتری را در مورد نسخ خطی مستقبل شوند، چرا که هدف اولیهٔ آنها تشویق آرشيوهای خصوصی به مشاوره و حتی همکاری با یکدیگر است. آنها باید در مقام راهنمایی کتابخانه‌های دیگر برآیند و در صورت لزوم از نظر فنی و مالی از آنها حمایت کنند، به گونه‌ای که مجموعه ملی نسخ خطی، حتی اگر در سراسر کشور پراکنده باشند، به خوبی فهرست شوند و در دسترس جهانیان قرار گیرند.

کتابخانه‌های ملی در عین حال باید سعی کنند تا از طریق ارتباطات مستقیم یا غیرمستقیمشان با دولت، که در مقابل آن شدیداً مسئول هستند، مقامات ذی صلاح را از ارزش این میراث نوشتاری آگاه سازند و آنان را به وضع کردن قوانین و مقررات مناسب ترغیب کنند. در این مورد کارهای بسیاری می‌توان انجام داد؛ حتی اگر شده مانند بسیاری از کشورهایی که مالیات اهداکنندگان، یا اربت بران، یا حتی فروشندگان نسخ خطی را می‌بخشند.

میراث جهانی

سازمانهایی مانند اتحادیهٔ بین‌المللی انجمنها و مؤسسات وابستهٔ کتابداری (ایفلا) نمی‌توانند در مورد حفظ و نگاهداری مجموعه‌های ملی نسخ خطی، که